

# خُر و پُف

توی هواپیما بودیم.

بابا گفت: «زبان خارجی، آسان است. من می‌فهمم آن آقای خارجی چه می‌گوید.»

مامان گفت: «کدام آقای خارجی؟! ... همان که بلند بلند حرف می‌زند؟»

بابا گفت: «نه... آن آقای که به زبان خارجی **خُر و پُف** می‌کند!»

– مامان، شما توی خواب، دو نفر را صدا می‌کردید.

به خاطر همین، من نتوانستم بخوابم.

– اسم آن دو نفر چی بود؟

– «**خُر** و «**پُف**!»





گفتم: «توی اتاق من خواب.»

گفت: «پس اجازه بده کوله پشتی ام را توی اتاق بگذارم.»

گفتم: «قبول است، به شرط این که کوله پشتی ات **خر و پف** نکند!»

بابای من شبها، توی خواب  
**خر و پف** می کند. چون روزها دهانش  
را برای کارهای دیگر لازم دارد!

